

طرح اندیشه مهدویت از امام علی تا امام سجاد علیه السلام

امیر غنوی*

چکیده

این نوشتار تأملی است در چگونگی طرح آموزه‌های مهدویت از سوی ائمه علیهم السلام از زمان امیرالمؤمنین تا عصر حضرت سجاد علیه السلام. ارائه معارف مهدوی از سوی قرآن و اهل بیت علیهم السلام با توجه به اهداف کلی دعوت دینی، نیازهای مخاطبان عصر صدور و همچنین نیازهای شیعه در اعصار متأخر شکل گرفته است. بررسی محورهای مورد تأکید در این بیانات و تأمل در نسبت آن‌ها با اهداف کلی و نیازهای هر عصر می‌تواند از یک سو طرح کلانی را نشان دهد که در این شکل از تعلیم و تربیت تعقیب شده است و از سوی دیگر، تأثیر تربیتی و اخلاقی هر یک از آموزه‌های مهدوی را نمایان‌تر کند. این پژوهش بر تحلیل محتوایی روایات صادره از چهار امام نخستین شیعه تکیه دارد و می‌کوشد با توجه به شرایط عصر صدور، آثار آموزه‌های مهدوی بر شیعیان را معلوم کند. از این رو، با تعیین محورهای مورد تأکید در سخنان هر یک از معصومین علیهم السلام همراه با ارائه نمونه‌ای از آن و تأمل در نسبت این سخنان با شرایط مخاطبان، تلاش دارد به حکمت و جهت طرح هر یک از آموزه‌ها دست یابد.

پیش‌تر در مقاله‌ای از پیش‌فرض‌ها و روش‌های این تحقیق گفت‌وگو کرده‌ایم. مقاله حاضر، روشن‌گر این سخن است که تعلیم آموزه‌های مهدوی در این برهه از تاریخ ائمه علیهم السلام افزون بر ارائه معارف مهدوی و آخرالزمانی، به نکاتی مهم در تربیت مخاطبان توجه دارد و نوعی زمینه‌سازی برای جلوگیری از آفات بحث مهدویت و نیز انحرافات را متناسب با عصر ائمه نخستین علیهم السلام دنبال می‌کند.

واژگان کلیدی

آموزه‌های مهدویت، عصر غیبت، ویژگی‌های قائم، علایم ظهور.

مقدمه

پس از رحلت رسول خدا ﷺ طرح آموزه‌های مهدویت، از سوی علی علیه السلام ادامه یافت. پس از طرح مباحث عام در قرآن و آموزش‌های گسترده و همه‌جانبه رسول ﷺ، طرح این آموزه‌ها از سوی ائمه هدی علیهم السلام نیز ادامه یافت.

طرح آموزه‌های مهدوی از سوی ائمه با اهداف تازه‌ای نیز همراه شد تا پاسخی به نیازهای فکری و روحی شیعه در عصر حضور ائمه علیهم السلام و در عصر غیبت ایشان باشد.

این نوشتار، مروری بر روایات وارده در بحث مهدویت از عصر امام علی علیه السلام تا زمان حضرت سجاد علیه السلام است و تلاش می‌کند محورهای مورد توجه و تأکید در این آموزش‌ها مشخص شده و نسبت آن با نیازهای جامعه اسلامی معلوم گردد.

محورهای بحث در سخنان امام علی علیه السلام

۱. تأکید بر وقوع فتنه‌ها و شمارش آن‌ها تا قیام قائم، ترسیم اوضاع بد آینده و عصر غیبت و حکمت آن؛^۱ جامعه جوان شیعی در عصر خلافت علی علیه السلام از حضور امام معصوم بهره‌مند است و تصویری از آینده پرفراز و نشیب خود ندارد؛ آینده‌ای که در آن حکومت‌های جور با فتنه‌های رنگارنگ، این جامعه جوان را به چالش خواهد کشید. بی‌خبری و ناآمادگی برای آینده می‌تواند زمینه‌ساز حرکت‌های کور باشد و انحطاط و انهدام را به دنبال آورد.^۲

تأکیدهای علی علیه السلام بر وقوع فتنه‌های گسترده در آینده، شناخت و توجه، آمادگی و حتی انتظار را به دنبال می‌آورد و ظرفیت و تحمل را افزایش می‌دهد. این آگاهی‌های پیشاپیش حتی می‌تواند ایمان و تسلیم مؤمنان را افزایش دهد. قرآن کریم دربارهٔ یاران رسول ﷺ به همین نکته اشاره دارد:

﴿وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا﴾؛ (احزاب: ۲۲)

۱. «أخبرنا عبد الرزاق قال: أخبرنا معمر عن طارق عن منذر الثوري عن عاصم بن ضمرة عن علي قال: جعلت في هذه الأمة خمس فتن: فتنه عامة، ثم فتنه خاصة، ثم فتنه عامة، ثم فتنه خاصة، ثم تأتي الفتنه العمياء الصماء المطبقة، التي يصير الناس فيها كالانعام؛ ابن ضمره از علی بن ابی طالب علیه السلام روایت کرده که فرمود: خدا در این امت پنج فتنه قرار داده: ۱. فتنه عمومی، ۲. فتنه خصوصی، ۳. فتنه عمومی، ۴. فتنه خصوصی، ۵. فتنه‌ای که مردم در آن مثل چارپایان خواهند شد.» (صنعانی، بی‌تا: ج ۱۱، ۳۵۶ - ۳۵۷؛ موسسه المعارف الاسلامیة، ۱۴۲۸: ج ۴، ص ۱۳ - ۵۰، ۱۱۹ - ۱۲۰، ۱۳۳ - ۱۴۴، ۱۹۰) و...؛ برای حکمت غیبت، نک: شریف رضی، ۱۴۱۴: ۲۶۲)

۲. «وَحَسِبُوا أَلَّا تَكُونَ فِئْتَةٌ فَعَمُوا وَصَمُوا»؛ «و گمان کردند که فتنه‌ای نخواهد بود، پس کور و کر شدند.» (مائده: ۷۱)

و هنگامی که مؤمنان لشکرها را دیدند، گفتند: این همان است که خدا و رسولش به ما وعده دادند و خدا و رسولش راست گفتند و نیفزودشان مگر ایمانی و تسلیمی.

در کلمات نقل شده از علی علیه السلام این فتنه‌ها، شمارش شده که گاهی با توصیف کوتاهی نیز همراه است. این توضیحات فضای آینده را در پیش چشم مخاطب روشن‌تر کرده و آمادگی و ظرفیت را در پی دارد. فتنه‌های پی‌درپی و رنگارنگ به تحیر و تزلزل می‌انجامد و گمان‌های بد را در دل‌های ضعیف به جنبش درمی‌آورد. اشتیاق به گشایش، روحیه‌های عجول را به امیدهای نابجا می‌رساند؛ امیدهایی که با طولانی شدن راه و تنوع مشکلات، زمینه‌ساز بدبینی، ناامیدی و حتی بازگشت خواهد بود.

شیعه در عصر حضور معصوم از مواهبی برخوردار است که خود التفات چندان به آن ندارد. ترسیم فضای غیبت و مشکلاتی که در انتظار جامعه شیعه است بردباری و رهایی از تحیر را به دنبال دارد و از آفات غیبت می‌کاهد.

بهره‌گیری امام علیه السلام از تعابیر پیچیده و رمزگونه موجب شد تا با وجود انتقال آموزه‌های مهدویت به اهلش، سخن فاش نشده و در گوش‌های نامحرم ننشیند. این اشاره‌های مرموز در دست عالمان اهل بیت علیهم السلام گشوده می‌شود و به هنگام رخداد حادثه، غبار اجمال از چهره آن به کنار می‌رود.

۲. اسم و نسب قائم و این‌که او نهمین فرزند حسین علیه السلام است؛^۱ اگر آموزه مهدویت با نشانه‌ها و توضیحاتی همراه نشود بستری مناسب برای پیدایش مدعیان دروغین خواهد بود. ائمه هدی علیهم السلام در روایات بسیاری به نسب و اسم موعود اشاره کرده‌اند. این توضیحات راه را بر مدعیان تنگ می‌کند و برای تشخیص صادق از کاذب‌هایی که در اختیار می‌گذارند.

تعیین نسب و این‌که او فرزند حسین علیه السلام است، تأکیدی بر خط وصایت بود که مدعیان بنی‌الحسن و بنی‌فلان را رسوا می‌کرد. این نکته که او نهمین فرزند حسین است، راهی دقیق

۱. «عن أبي وائل قال: نظر أمير المؤمنين علي عليه السلام إلى الحسين عليه السلام فقال: إن ابني هذا سيد كما سماه رسول الله صلى الله عليه وآله و سيخرج الله من ضلبي رجلاً باسم نبيكم يشبهه في الخلق و الخلق يخرج على حين غفلة من الناس و إمامة للحق و إظهار للجور؛ ابوائل نقل کرده است: امیرالمؤمنین علیه السلام نگاه می‌کرد به حسین کرد و فرمود: این پسر من آقا است؛ همچنان که رسول خدا آقا پیش نامیده است و روزی خداوند از نسل او مردی را هم‌نام پیغمبر شما بیرون می‌آورد که در صورت و سیرت مانند اوست؛ به هنگام غفلت مردم و مرگ حقیقت و ظهور ستم، خروج می‌کند. (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۱۵)

«قال أمير المؤمنين عليه السلام لابنه الحسين عليه السلام: التابغ من ولدك يا حسين، هو القائم بالحق؛ امیرمؤمنان علیه السلام به فرزندش حسین علیه السلام فرمود: ای حسین، نهمین فرزند تو همان قیام‌کننده به حق است.» (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۱؛ مؤسسة المعارف الإسلامية، ۱۴۲۸: ج ۴، ۵۱ - ۶۸)

برای تشخیص او نشان می داد و هر شبهه‌ای را درباره وجود فرزند و وصی برای امام عسکری علیه السلام از بین می برد.

۳. مشخصات اخلاقی و جسمی قائم علیه السلام (مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۲۸: ج ۴، ۱۰۵ - ۱۱۸): این‌ها نیز علامت و نشانه‌اند، اما از آن مهم‌تر شخصیت حاکم دینی را به رخ می‌کشند و جایگاه ممتاز امامت را ترسیم می‌کنند.

۴. ویژگی‌های اصحاب قائم؛^۲ یاران قائم، نیروهای حکومت مهدوی هستند؛ بزرگانی که بار

۱. «و جاء رجل إلى أمير المؤمنين عليه السلام، فقال له: يا أمير المؤمنين! نبتنا بمهديكم هذا. فقال: إذا درج الدارجون و قَلَّ المؤمنون و ذهب المجلبون فهناك هناك. فقال: يا أمير المؤمنين! ممن الرجل؟ فقال: من بني هاشم من ذروة طود العرب و بحر مغيضها إذا وردت و مخفر أهلها إذا أتيت و معدن صفوتها إذا اختلفت لا يجبن إذا المنايا هكعت و لا يجوز إذا المؤمن اختلفت و لا ينكل إذا الكماة اضطرعت مسمر مغلوب طفر صرغامة حصد مخدش ذكّر سيف من سيوف الله رأس فتم نشؤ رأسه في باذخ السؤدد و عارز إغارزاً مجده في أكرم المخيد فلا يصر فنك عن تبعته صارف عارض يتوض إلى الفتنة كل مناص إن قال فشر قائل و إن سكت فذو دعائر ثم رجع إلى صفة المهدي عليه السلام فقال أوسعكم كهفاً و أكثركم علماً و أوصلكم رجماً اللهم فأجعل بنته خروجا من العمّة و اجمع به شمل الأمّة فإن خاز الله لك فاغريم و لا تنش عنه إن وفقت له و لا تجوزن عنه إن هديت إليه هاه و أوما بيده إلى صدره شوقاً إلى رؤيته؛ مردی به خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام رسید و به آن حضرت عرض کرد: ای امیرالمؤمنین، ما را از این مهدی خودتان آگاه کنید! فرمود: آن‌گاه که رفتنی‌ها بروند و منقرض شوند و مؤمنین اندک شوند و آشوبگران از میان بروند [در بعضی از نسخه‌ها به جای "المجلبون"، "المخبتون" است، یعنی خصوص کنندگان] پس همان‌جا و همان‌جاست. عرض کردم: ای امیرالمؤمنین، این مرد از کدام طایفه است؟ فرمود: از بنی‌هاشم، از برترین نژاد عرب، و از دریایی که از هر سو آب‌ها بر آن سرازیر است، و اما نگاهی که پناهگاه پناهندگان است و کان صفا است، آن‌گاه که همه بی صفا شوند. هنگامی که مرگ شبیخون زند او را ترسی در دل نباشد و چون مرگ چهره خود را نشان دهد او ضعف و ناتوانی از خود نشان ندهد، و در میدان نبرد و کشتی قهرمانان عقب‌نشینی نکند، دامن همت به کمر زده باشد و پرجمعیت و پیروز و شیربیشه شجاعت باشد که ریشه ستمگران را از جای برکنند پشتوانه‌ای باشد مردانه و شمشیری از شمشیرهای خدا، سالار و پر خیر و بزرگ‌شده خاندان جلالت و شرف ریشه مجد و بزرگواری‌اش در اصل ترین ریشه‌ها باشد. پس تو را هیچ موجب انصرافی - آن‌کس که به سوی هر فتنه‌ای شتابان بگریزد، آن‌کس که اگر سخن بگوید بدترین سخنگوست و اگر خاموش نشیند خیانت‌ها و فسادها در اندرون دارد - از بیعتش منصرف نکند. سپس آن حضرت به توصیف مهدی علیه السلام بازگشت و فرمود: ساحت و درگاهش از همه شما گشاده‌تر و دانش او از همه شما فزون‌تر است و خویشان و نزدیکان را بیش از همه شما سرکشی می‌کند و حفظ پیوستگی می‌نماید. پروردگارا، برانگیخته شدن او را مایه به در آمدن و سر رسیدن دلتنگی و اندوه قرار ده و به واسطه او پراکندگی امت را جمع ساز؛ پس اگر خداوند برای تو خیر خواست پس عزم خود استوار گردان و اگر در راه رسیدن به خدمت او توفیق یافتی از او به دیگری بازگرد، و هرگاه به سویی راه یافتی از او در گذر! (پس از این سخن‌ها) آه برآورد، و در این حال با دست خویش به سینه خود اشاره نمود و فرمود: چه بسیار به دیدن او مشتاقم! (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۱۳)

۲. «كنا عند علي عليه السلام فسأله رجل عن المهدي فقال علي عليه السلام: هيهات ثم عقد بيده سبعا، فقال: ذاك يخرج في آخر الزمان، قال الرجل: الله الله، قتل فيجمع الله تعالى له قوماً قزع كقزع السحاب يؤلف الله بين قلوبهم لا يستوحشون إلى أحد و لا يفرحون بأحد يدخل فيهم على عدة أصحاب بدر لم يسبقهم الأولون و لا يدركهم الآخرون؛ نزد علی علیه السلام بودیم، مردی از حضرت علی علیه السلام درباره مهدی علیه السلام سؤال کرد. حضرت فرمود: دور است. سپس با دست خویش عدد هفت را نشان داد و فرمود: او در آخر الزمان خروج می‌کند و این در حالی است که اگر مردی «الله الله» بگوید کشته می‌شود! در آن روزگار خداوند قوم پراکنده‌ای را که مانند ابرها پراکنده‌اند را گرد می‌آورد دل‌هایشان را به یکدیگر پیوند داده از ترس به سوی کسی نرفته و از ورود کسی در جمعشان به خوشحالی نمی‌پردازند. به تعداد یاران بدر هستند؛ از پیشینیان کسی بر ایشان سبقت

حکومت علوی را بر دوش خواهند کشید. ترسیم ویژگی‌های اینان در دل خویش مقایسه‌ای با شیعیان حاضر و اشاره‌ای به ضعف‌های موجود را در پی دارد. همچنین بیان شرایطی را نشان می‌دهد که شکل‌گیری حکومت حجت خدا علیه السلام در گروهی تحقق آن است.

۵. **همراهان و یاوران مهدی علیه السلام**: این روایات به یاوران مهدی علیه السلام پرداخته و برخی اقوام مانند اهل خراسان را به عنوان یاوران حجت خدا علیه السلام معرفی کرده است که به هنگام ظهور، او را یاری می‌کنند. برخی از این روایات از سپاه‌یانی خبر داده که با پرچم‌های سیاهی برای یاری به مهدی علیه السلام حرکت کرده و به جنگ با سفیانی می‌پردازند.^۱

در برخورد با این روایات باید به دو نکته توجه داشت:

یکم، منبع اصلی این روایات، کتاب *الفتن* ابن حماد است که در عصر عباسیان تألیف شده و ممکن است راویان تحت تأثیر فضای سیاسی مطالب ضعیفی را برای جلب نظر حاکمان بیان کرده باشند. پرچم و لباس سیاه، نشانه و شعار عباسیان بود و این روایات، آنان را به عنوان پشتیبان مهدی علیه السلام و جریان حق معرفی می‌کند.

دوم، نقل این روایات از علی علیه السلام نباید سبب شود که از سند ابن حماد به علی علیه السلام چشم‌پوشی کنیم. سند ابن حماد در نقل این روایات از علی علیه السلام این است: «حدثنا الولید و رشدين^۲ عن ابن لهيعة عن أبي قبيل عن أبي رومان عن علي بن أبي طالب عليه السلام» (مروزی، ۱۴۱۴: ۱۲۰). در این سند، راوی از علی علیه السلام - ابو رومان - تضعیف شده و به همین دلیل، این سند - حتی از نظر

نجسته و دیگران به ایشان نرسیده‌اند. (حاکم نیشابوری، بی‌تا: ج ۴، ۵۵۴)

۱. «عن أبي رومان عن علي بن أبي طالب عليه السلام قال: إذا خرجت خيل السفيناني إلى الكوفة بعث في طلب أهل خراسان و يخرج أهل خراسان في طلب المهدي فيلتي هو و الهاشمي برايأت سود علی مقدمته شعيب بن صالح فيلتي هو و أصحاب السفيناني بباب إصطخر فتكون بينهم ملحمة عظيمة فتظهر الرايات السود و تهرب خيل السفيناني فعند ذلك يتمنى الناس المهدي و يطلبونه؛ ابو رومان از علی علیه السلام نقل کرده است که فرمود: هنگامی که سپاه سفیانی به سوی کوفه خروج کند در جست‌وجوی اهل خراسان می‌فرستد و اهل خراسان نیز در جست‌وجوی مهدی خروج کرده و او و هاشمی با پرچم‌های سیاهی ملاقات می‌کنند که در طلوع آن سپاه، شعيب بن صالح قرار دارد. او و یاران سفیانی در دروازه اصطخر با یکدیگر برخورد کرده و میانشان جنگی بزرگ درمی‌گیرد و پرچم‌های سیاه پیروز شده و سپاه سفیانی می‌گریزد. در این هنگام مردم آرزوی مهدی را داشته و به جست‌وجوی او برمی‌آیند.» (مروزی، ۱۴۱۴: ۱۹۲؛ همچنین برای روایات متعدد در این باره نک: مؤسسة المعارف الإسلامية، ۱۴۲۸: ج ۴، ۱۰۵ - ۱۱۷)

۲. مراد از الولید، راوی مشهور، ولید بن مسلم است (ابن سعد، بی‌تا: ج ۷، ۴۷۰ - ۴۷۱). رشدين نیز رشدين بن سعد است که بر خلاف راوی قبل ثقه نیست. بخاری او و همچنین راوی پس از او - یعنی عبدالله بن لهيعة - را قابل اعتماد ندانسته است (بخاری، بی‌تا: ج ۳، ۳۳۷). ابوقبیل راوی معروفی است که نامش حج بن هانی و مورد توثیق جمعی از علمای رجال اهل سنت است (ابن حنبل، ۱: ج ۲، ۴۸۰؛ عجلی، ۱۴۰۵: ج ۱، ۳۲۹). اما راوی از امام علیه السلام یعنی ابو رومان - که نامش عبدالملک بن یحیی بن هلال است - به ضعف در حدیث و همچنین نقل مطالب ناپذیرفتنی متهم است (عسقلانی، ۱۳۹۰: ج ۳، ۲۸۶).

اهل سنت - نیز قابل اعتماد نیست. افزون بر این، مضامین روایات فوق را در هیچ یک از روایات اهل بیت علیهم السلام نمی توان یافت.

۶. آن چه حجت خدا علیه السلام در نهان به آن مشغول است؛^۱ امام علیه السلام در خطبه ای طولانی از شیوه و رفتار اهل بیت در شرایط دشوار آینده خبر می دهد؛ او با چراغی روشنگر در دست، بند از گردن ها برداشته، بندگان را آزاد کرده، جمع هایی را پراکنده، و پراکنده هایی را جمع می کند. آن چه او می کند در نهان بوده، هیچ رد و اثری از عامل بر جای نمی ماند.

این سخنان از معدود کلماتی است که از معصومین علیهم السلام درباره رفتار حجت خدا در زمانه غیبت به دست ما رسیده است. این سخنان کوتاه، تصویری روشن از نوع فعالیت های امام غایب در اختیار می گذارد؛ فعالیت هایی که همان اهداف امامان ظاهر را تعقیب کرده، اما از ظرفیت های ناشناختگی نیز در تقویت حرکت دینی و کنار زدن دشمنان آن بهره می برد.

۷. توانمندی هایی که در عصر غیبت پدیدار می شود؛^۲ عصر حضور دوره وفور نعمت است؛ نعمتی که می تواند موجب اتکای بیش از حد شود و حتی به کندی در فهم و حرکت انجامد. زمانه غیبت نیز اگرچه عصر غربت است، اما این غربت می تواند زمینه ساز تلاش بیشتر و بهره گیری عمیق تر از هدایت های باقی مانده باشد. این تلاش های از سر نیاز و خالصانه است که با جام های مدام حکمت به پاداش خود می رسد.

۶. سفیانی و سپاه او؛^۳ ظهور سفیانی علامتی مهم در شناخت قیام حجت خدا علیه السلام است و

۱. «یا قَوْم! هَذَا إِبَانٌ وَرُودٌ كُلُّ مَوْعُودٍ وَ [ذُنُوبٌ] ذُنُوبٌ مِنْ ظَلَعَةٍ مَا لَا تَعْرِفُونَ أَلَا وَإِنَّ مِنْ أَدْرَكِهَا مَنَّا يَسْرِي فِيهَا بِسِرَاجٍ مُنِيرٍ وَ يَخْذُو فِيهَا عَلَى مِثَالِ الصَّالِحِينَ لِيَخْلُ فِيهَا رِنَقًا وَ يُعْتَقَ فِيهَا رِقًا وَ يَصْدَعُ شُعْبًا وَ يَشَعَبُ صَدْعًا فِي شُرْثَةٍ عَنِ النَّاسِ لَا يُبْصِرُ الْقَائِفُ أَثَرَهُ وَ لَوْ تَابَعَ نَظْرَهُ؛ ای مردم، این زمان ورود هر موعودی است، و هنگام نزدیکی طلوعی است که نمی شناسید، آگاه باشید هر که از ما [اهل بیت] بدان رسد، با چراغی روشن در آن راه رود، و بر جای پای صالحان گام نهد تا بند [از گردن ها] بگشاید، و از بندگی آزاد نماید. جمع [گمراهان] را پراکنده گردانند، و پریشانی [مؤمنان] را به جمعیت کشاند و نهان از مردمان [کارراند]. پی شناس به نشان او راه نبرد، هر چند پیاپی نگرد.» (شریف رضی، ۱۴۱۴: ۲۰۸)

۲. «ثُمَّ لِيُشْحَذَنَّ فِيهَا قَوْمٌ شَحَذَ الْقَيْنِ النَّصْلَ تُجَلِي بِالتَّنْزِيلِ أَبْصَارَهُمْ وَ يُزِمِي بِالتَّفْسِيرِ فِي مَسَامِعِهِمْ وَ يُغْبِقُونَ كَأَسِّ الْحِكْمَةِ بَعْدَ الصَّبُوحِ؛ پس در آن فتنه مردمی ذهن خود را چنان تیز کنند، که آهنگر تیغ را زدايد، و دیده هاشان با قرآن جلا گیرد و با تفسیرش در گوش های جان شان جای گیرد. بام و شام جام های حکمت نوشند.» (همو)

۳. «عَنْ عَمْرِ بْنِ أَدِينَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: قَالَ أَبِي عليه السلام: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: يَخْرُجُ ابْنُ أَكَلِيَةِ الْأَكْبَادِ مِنَ الْوَادِي الْأَيْسِ وَ هُوَ رَجُلٌ رُبْعَةٌ وَ خَشِ الْوَجْهَ صَخْمٌ الْهَامَةِ بُوْجْهَهُ أَثَرُ جُدْرِي إِذَا رَأَيْتَهُ حَسِبْتَهُ أَعْوَزَ اسْمُهُ عُثْمَانُ وَ أَبُوهُ غَنْبَسَةُ وَ هُوَ مِنْ وُلْدِ أَبِي سُفْيَانَ حَتَّى يَأْتِي أَرْضاً ذَاتَ قَرَارٍ وَ مَعِينٍ قَيْسْتَوِي عَلَى مَنَبْرَهَا؛ از امام صادق عليه السلام از امیر المؤمنین عليه السلام روایت است که فرمود: پسر هند جگر خوار از بیابانی خشک خروج می کند و او مردی چهارشانه و زشت رو و کله گنده و آبله رو است و چون او را ببینی می پنداری که یک چشم است. نامش عثمان و نام پدرش عنبسه و از فرزندان ابو سفیان است تا به سرزمینی که دارای قرارگاه و خزمی است می رسد و در آن جا بر تخت سلطنت می نشیند.» (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۶۵۱؛ همچنین برای روایات دیگر نک: مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۲۸: ج ۴، ۱۲۱ - ۱۴۴ و ...)

توضیحات امام علیه السلام این علامت را در اختیار شیعه قرار می‌دهد تا قیام حق را بشناسد. اما سفیانی نشانه‌ی ادامه یک جریان نیز هست؛ جریانی که در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام در برابر جبهه حق صف‌آرایی کرده‌اند. سفیانی نقطه پایان جریانی است که در برابر نبوت و وصایت قرار دارد و تا به آن روز ادامه خواهد داشت.

تعبیر سفیانی از تعلق این حرکت به آل ابوسفیان خبر می‌دهد؛ تعلقی که نباید آن را در نسبتی خانوادگی خلاصه کرد. ابوسفیان، پدر و پرورش‌دهنده سفیان‌ها و سفیانی‌هاست؛ همان جریانی که در برابر رسول بزرگ خدا صلی الله علیه و آله قرار داشت.

۷. **ندای آسمانی و معرفی مهدی علیه السلام**^۱ به هنگام ظهور حجت خدا، ندایی فضای زمین را در خود می‌گیرد؛ ندایی که همگان را متوجه حادثه‌ای می‌کند که در حال وقوع است. وقوع ندایی از آسمانی راه را بر هراشتباهی می‌بندد و حجت را تمام می‌کند؛ زیرا جعل این علامت برای مدعیان دروغین ممکن نیست. این حادثه غریب، بر اتصال مهدی علیه السلام به آسمان تأکید می‌کند.

۸. **دجال؛ ویژگی‌ها و توانایی‌ها، رفتار و آثار** (مؤسسه المعارف الاسلامیة، ۱۴۲۸: ۱۹۱-۲۰۱ و ۱۷۷-۱۷۹)؛ ظهور دجال نیز از علایم قطعی ظهور است. مرور دقیق‌تر روایات دجال نشان می‌دهد که دجال گاه به عنوان یک تیپ مطرح می‌شود و گاه به عنوان یک شخص. روایاتی که از دجال به عنوان دغدغه همه انبیا الهی سخن می‌گویند، مسلماً مربوط به شخصی نیست که در آخرالزمان ظهور می‌کند. این نگاه عام و نمادین را حتی در ویژگی‌های دجال آخرالزمان نیز می‌توان دید.

بیانات علی علیه السلام در معرفی دجال، نه فقط معرفی نشانه‌هایی از آخرالزمان است، بلکه نشان دادن فتنه‌هایی است که دجال صفتان در هر عصر و دوره‌ای پدید آورده و مردم ساده را به دنبال خود می‌کشند.

۹. **فضل انتظار فرج و وظایف در عصر غیبت**^۲؛ شیعه پس از علی علیه السلام باید در عصری ادامه حیات

۱. «عن أبي رومان عن علي عليه السلام قال: بعد الخسف ينادي مناد من السماء إن الحق في آل محمد في أول النهار ثم ينادي مناد في آخر النهار إن الحق في ولد عيسى وذلك نحوه من الشيطان؛ از ابورومان نقل شده که علی علیه السلام فرمود: بعد از فرورفتن (خسف) بیداء یا فرورفتن لشکریان سفیانی در زمین) فریادگری در آغاز روز از آسمان فریاد می‌کند: به راستی حق در خاندان محمد است. سپس در پایان روز فریادگری فریاد می‌کند که: حق در فرزندان عیسی است، و این سخن و مانند آن از جانب شیطان است.» (مروزی، ۱۴۱۴: ۲۰۹؛ مؤسسه المعارف الاسلامیة، ۱۴۲۸: ج ۴، ۴۵-۴۹، ۱۰۱ و ۱۵۹؛ این مضمون با چند سند از علی علیه السلام نقل شده است)

۲. «الحسين بن علي عليه السلام. عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِكَ يَا حُسَيْنُ، هُوَ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ الْمُظْهِرُ لِلدِّينِ وَ

دهد که حکومت‌هایی مانند بنی‌امیه و بنی‌عباس بر جان و مال مردم سیطره می‌یابند. باقی ماندن بر مسیر و تداوم حرکتی که علی علیه السلام پس از رحلت رسول صلی الله علیه و آله و انحراف عامه آغازگران بود، به ترسیم نقشه راه و تعیین وظایف، و همچنین ایجاد انگیزه‌ای که شیعه بتواند حتی در عصر غربت و غیبت بر پای خویش بایستد و زمینه‌های ظهور و حکومت حق را فراهم کند نیاز دارد. روایات فضل انتظار فرج و ترسیم وظایف شیعه بر انگیزه و نگاه‌ها اثر می‌گذارد و آنان را برای پس از علی علیه السلام آماده می‌کند.

۱۰. زمین گنجینه‌هایش را برای حجت خدا بیرون می‌ریزد و کلیدهایش را در اختیار او می‌گذارد؛^۱ تصویرهای سرشار از حکومت حجت خدا صلی الله علیه و آله اتصال زمین و آسمان در حکومت الهی را به

الْبَاسِطُ لِلْعَدْلِ... لَكِنْ بَعْدَ غَيْبَةِ وَ حَيْرَةِ فَلَا يَثْبُثُ فِيهَا عَلِيُّ دِينِهِ إِلَّا الْمُخْلِصُونَ الْمُبَاشِرُونَ لِرُوحِ الْيَقِينِ الَّذِينَ أَخَذَ اللَّهُ - عَزَّ وَ جَلَّ - مِيثَاقَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَ أَيْدَهُمْ بِرُوحِ مِنْهُ؛ حسین بن علی علیه السلام از علی بن ابی طالب علیه السلام روایت کرده است که به او فرمود: ای حسین، نهمین فرزندت همان قائم به حق، پیروزکننده دین و گسترنده عدل است... ولی بعد از غیبت و حیرتی و ثابت نماند در آن غیبت جز مخلصانی که روح یقین را دریافته‌اند کسی بر دینش ثابت نماند؛ آن کسانی که خدای عز و جل پیمان ولایت ما را از آن‌ها گرفته و ایمان در دلشان نوشته شده و آن‌ها را با روحی از جانب خود کمک کرده است.» (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ۳۰۴)

أَنَّكَ لَا تُخْلِي أَرْضَكَ مِنْ خِجَّةٍ لَكَ عَلَيَّ خَلْقِكَ ظَاهِرٍ لَيْسَ بِالْمُطَاعِ أَوْ خَائِفٍ مَعْمُورٍ كَيْلًا تَنْظِلُ حُجُجَكَ وَ لَا يَصِلُ أَوْلِيَاؤُكَ بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَهُمْ بَلْ أَيْنَ هُمْ وَ كَيْفَ أَوْلِيَاؤُكَ الْأَقْلُونَ عَدْدًا وَ الْأَعْظَمُونَ عِنْدَ اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ قَدْرًا الْمُتَّبِعُونَ لِقَادَةِ الدِّينِ الْأَيَّمَةِ الْهَادِينَ الَّذِينَ يَتَأَدَّبُونَ بِأَدَابِهِمْ وَ يَنْهَجُونَ نَهَجَهُمْ فَعِنْدَ ذَلِكَ نَهَجُهُمْ بِهَمِّ الْعِلْمِ عَلَى حَقِيقَةِ الْإِيمَانِ فَتَسْتَجِيبُ أَرْوَاحَهُمْ لِقَادَةِ الْعَلِيمِ وَ يَسْتَلْبِثُونَ مِنْ حَدِيثِهِمْ مَا اسْتَوْعَرَ عَلَى غَيْرِهِمْ وَ يَأْتَسُونَ بِمَا اسْتَوْحَشَ مِنْهُ الْمَكْدُوبُونَ وَ أَبَاءَ الْمُسْرِفُونَ أَوْلِيَاؤُكَ أَتْبَاعُ الْعُلَمَاءِ صَحْبُوا أَهْلَ الدُّنْيَا بِطَاعَةِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ أَوْلِيَاؤُهُ وَ دَانُوا بِالْحَقِيقَةِ عَنْ دِينِهِمْ وَ الْخَوْفِ مِنْ عَدُوِّهِمْ فَارْزَوْاهُمْ مُعَلِّقَةً بِالْمَحَلِّ الْأَعْلَى فَعَلِمَاؤُهُمْ وَ أَتْبَاعُهُمْ خُرُسَ صُمْتُ فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ مُنْتَظِرُونَ لِدَوْلَةِ الْحَقِّ وَ سَ يُحَقِّقُ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَ يَمْحَقُ الْبَاطِلَ هَا هَا طُوبَى لُهُمْ عَلَى صَبْرِهِمْ عَلَى دِينِهِمْ فِي خَالِ هُدْيَتِهِمْ وَ يَا سَوْقَاةَ إِلَى رُؤْيَتِهِمْ فِي خَالِ ظُهُورِ دَوْلَتِهِمْ؛ تو روی زمینت را از حجتی بر خلق خالی نسازی که او یا آشکار باشد و فرمانش نبرند و یا ترسان و پنهان، تا حجت تو باطل نگردد و دوستانت بعد از آن که هدایتشان فرمودی گمراه نشوند، ولی آن‌ها کجایند و چقدر؟ ایشان از لحاظ شماره بسیار اندک و از لحاظ ارزش نزد خدای - جل ذکره - بسیار بزرگند. ایشان پیرو پیشوایان دین و امامان رهبرند؛ همان امامانی که به آدابشان پرورش یافته و به راه آن‌ها رفته‌اند. این جاست که علم و دانش ایشان را به حقیقت ایمان آگاه ساخته و روحشان ندای پیشوایان دانش را لبیک گوید و همان احادیثی که بر دیگران مشکل آید برای ایشان دلنشین باشد و به آن‌چه تکذیب‌کنندگان از آن وحشت دارند و متجاوزان سر باز می‌زنند انس و الفت دارند. آن‌ها پیرو دانشمندانند، برای اطاعت خدای تبارک و تعالی و اولیایش با اهل دنیا معاشرت کنند و نسبت بدین و برای ترس از دشمن خویش تقیه را آیین خود سازند، روح‌های ایشان به مقام بالا مربوط است و دانشمندان و پیروانشان در زمان دولت باطل لال و خاموشند و همیشه به انتظار دولت حق هستند، خدا هم با کلمات خود (آئمه یا آیات قرآن و یا تقدیر خود) حق را ثابت کند و باطل را از میان ببرد. های، های، خوشا به حالشان که در زمان صلح و آرامش بردنشان شکیبایی ورزیدند، هان از اشتیاق به دیدارشان در زمان ظهور دولتشان! خدا ما و ایشان و پدران و همسران و فرزندان نیکوکارشان را در بهشت برین جمع خواهد کرد.» (کلینی؛ ۱۴۰۷: ج ۱، ۳۲۵؛ برای بقیه موارد نک: مؤسسه المعارف الاسلامیة، ۱۴۲۸: ج ۴، ۸۵ - ۱۰۴)

۱. «يَأْخُذُ الْوَالِي مِنْ غَيْرِهَا عَمَالَهَا عَلَى مَسَاوِيٍّ أَعْمَالِهَا وَ تُخْرِجُ لَهُ الْأَرْضَ أَقَالِيدَ كَيْدِهَا وَ تُلْقِي إِلَيْهِ سِلْمًا مَقَالِيدَهَا فَيُرِيكُمْ كَيْفَ عَدْلُ السَّبِيْرَةِ وَ يُخِيْبِي مَيْتَ الْكِتَابِ وَ السَّنَةِ؛ فرمانروایی که از این طایفه [امویان] نیست، عاملان حکومت را به جرم کردار زشتشان بگیرد [و عذری از آنان نپذیرد]. زمین گنجینه‌های خود را برون اندازد و کلیدهای خود را در اختیار او گذارد؛ روش عادلانه را به شما بنماید و آن‌چه از کتاب و سنت مرده است زنده کند.» (شریف رضی، ۱۴۱۴: ۱۹۵)

نمایش می‌گذارد و نمونه‌ای از پاداش ایمان و تقوای پیشگی^۱ را ترسیم می‌کند.

محورهای بحث در کلمات امام حسن علیه السلام

عصر حسن بن علی علیه السلام، عصر غربت امام و کم‌توجهی به دین و جایگاه ولی خداست. روایات بسیار محدود امام مجتبی علیه السلام نشان از وضعیت فضای فکری و بحران اجتماعی عصری دارد که آغاز تسلط بنی‌امیه و اوج تلاطم و آشفتگی شدید در جامعه شیعه است. اگرچه روایات امام مجتبی علیه السلام در بحث مهدویت بسیار محدود است، اما اعتبار و اتقان بیشتری دارد؛ زیرا در منابع شیعه نقل شده و مطالب غریب و شاذ در آن‌ها به چشم نمی‌خورد.

۱. **نهمین فرزند امام حسین علیه السلام**؛^۲ اراده پروردگار بر این قرار گرفته بود که خط وصایت در اولاد حسین بن علی علیه السلام تداوم یابد. آن‌ها که جز به خواست پروردگار نمی‌اندیشیدند فارغ از انتساب به حسن یا حسین علیه السلام با همه وجود به حمایت از کسی می‌پرداختند که مهر الهی امامت بر نامه او خورده بود. اما آدمی فرزند انتخاب خود و ساخته عمل خویش است. دنیاطلبی در هر دلی راه می‌یابد، حتی در دل اولاد علی علیه السلام.

سخنان حسن بن علی علیه السلام در ادامه خط وصایت در اولاد حسین علیه السلام حجتی تام و تمام بر اولاد اوست؛ اولادی که برخی از آنان گاه به طمع منصب دنیوی و گاه برای فرار از رنج‌های ظالمان به ادعای مهدویت و نجات بخشی تمسک کرده و دل‌های خسته از حکومت ظالمان را به سوی خود جذب کردند.

۲. **ویژگی‌های امام**؛ بر شمردن ویژگی‌ها و فضایل حضرت مهدی علیه السلام می‌تواند نصاب و توقع دین از حاکم و حکومت را نشان دهد. اما اشاره به اموری مانند ولادت پنهانی، پنهان و ناشناخته بودن امام، عمر طولانی و نبودن بیعت ظالمان برگردن او ذهنیت شیعه را برای شرایطی کاملاً نامأنوس آماده می‌کند؛ شرایطی که باور به آن و آمادگی برای تحمل فضای دشوار غیبت به زمینه‌سازی طولانی نیاز دارد و توضیح و تأکیدهای ائمه علیهم السلام در این راستا قابل درک است.^۳

۱. «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ». (اعراف: ۹۶)

۲. «عَنِ الْأَصْبَغِ قَالَ: سَمِعْتُ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ يَقُولُ: الْأُئِمَّةُ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ اثْنَا عَشَرَ تِسْعَةً مِّنْ صُلْبِ أَخِي الْحُسَيْنِ وَ مِنْهُمْ مَهْدِيٌّ هَذِهِ الْأُمَّةُ؛ از اصبع نقل شده که شنیدم حسن بن علی علیه السلام می‌فرمود: امامان پس از رسول خدا ﷺ دوازده نفرند؛ نه

از پشت برادرم حسین و از آن هاست مهدی این امت.» (خزاز رازی، ۱۴۰۱: ۲۲۳)

۳. «أَمَا عَلِمْتُمْ أَنَّهُ مَا مِنَّا أَحَدٌ إِلَّا وَ يَقَعُ فِي عُنُقِهِ بِنِعَةِ لِبَاعِيَةِ زَمَانِهِ إِلَّا الْقَائِمَ الَّذِي يُصَلِّي رُوحَ اللَّهِ عَيْسَى ابْنَ مَرْيَمَ علیه السلام خَلَقَهُ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يُخْفِي وَ لَادَتَهُ وَ يُعَيِّبُ شَخْصَهُ لئَلَّا يَكُونَ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بِنِعَةٍ إِذَا خَرَجَ ذَلِكَ التَّاسِعُ مِّنْ وَ لَدِ أَخِي الْحُسَيْنِ ابْنِ سَيِّدَةِ الْإِمَامِ يُطِيلُ اللَّهُ عُمُرَهُ فِي غَيْبَتِهِ ثُمَّ يُظْهِرُهُ بِقُدْرَتِهِ فِي صُورَةِ سَابِ دُونَ أَرْبَعِينَ سَنَةً ذَلِكَ لِيُعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ

۳. وسعت زمین برای بز و فاجر تا روز ظهور؛^۱ با پایان حکومت امام مجتبی علیه السلام حکومت سلاطین و پادشاهان آغاز می شود و شیعه باید خود را برای چنین شرایطی آماده کند؛ شرایطی که در آن خوبان و بدکاران در گستره زمین زندگی کرده و خوبان باید آماده باشند تا در این شرایط نیز از خوبی ها حراست کنند و به گسترش آن پردازند.

مؤمن در عصر حکومت های حق - علی و حسن علیه السلام - به پاسداری مشغول است و در دوره حکومت های باطل باید با تقیه خود را حراست کرده به ساختن نیرو و فراهم کردن زمینه ها برای بازگشت خاندان عصمت به مسند قدرت پردازد. شیعه باید بداند که تا زمان قیام حجت خدا علیه السلام در چنین شرایطی خواهد زیست و باید اهداف و حرکت دینی خود را در قالب ها و شکل های جدیدی جست و جو کند.

۴. سختی روزگار غیبت و جهل مردم و بروز اختلافات شدید در جامعه شیعه؛^۲ این بیانات نیز نوعی آماده سازی برای شرایط دشوار را در خود دارد که با دیدن صدق وعده ها می توان توقع داشت به جای ناامیدی و یأس، فزونی ایمان و تسلیم بنشینند. همچنین این تصویر امیدبخش را می توان دید که در اوج ظلمت باید طلوع نور را انتظار کشید.

۵. تأییدهای پروردگار با ملائک، عصمت یاران و نصرت با آیه ها؛^۳ آن جا که آدمیان با خدا و ولی او پیمان بسته، همراه می شوند آسمان به زمین متصل می گردد. ملائک به یاری مؤمنان شتافته و مؤمنان در لغزش گاه ها حفظ می شوند. نشانه های برافراشته از پیش، راه را بر اهل حق

شبی و قَدیر؛ آیا نمی دانید که هیچ یک از ما ائمه نیست جز آن که بیعت سرکش زمانش برگردن اوست مگر قائمی که روح الله عیسی بن مریم پشت سر او نماز می خواند؟ خداوند ولادت او را مخفی می سازد و خودش را پنهان می کند تا آن گاه که خروج کند بیعت احدی برگردن او نباشد. او نهمین از فرزندان برادر حسین است و فرزند سرور کنیزان، خداوند عمر او را در دوران غیبت طولانی می گرداند، سپس با قدرت خود او را در صورت جوانی که کمتر از چهل سال دارد ظاهر می سازد تا بدانند که خداوند بر هر کاری تواناست. «(صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۳۱۶)

۱. «أبشر يا سفیان! فان الدنيا تسع البر و الفاجر حتی بیعت الله امام الحق من آل محمد صلی الله علیه و آله بشارت بر تو ای سفیان، به راستی دنیا برای نیکوکار و بدکار وسعت دارد تا هنگامی که خدا رهبر حق از خاندان محمد صلی الله علیه و آله را برانگیزد.» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ج ۱۶، ۴۵)

۲. «حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ رَجُلًا فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَ كَلَبَ مِنَ الدَّهْرِ وَ جَهْلٍ مِنَ النَّاسِ؛ تا آن که خداوند مردی را در آخر الزمان و روزگار سختی و جهالت مردم بر می انگیزد.» (طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ۲۹۱)

«لَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ الَّذِي تَنْتَظِرُونَ حَتَّى يَبْرَأَ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ وَ يَلْعَنَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا وَ يَنْقُلَ بَعْضُكُمْ فِي وَجْهِ بَعْضٍ وَ حَتَّى يَشْهَدَ بَعْضُكُمْ بِالْكَفْرِ عَلَى بَعْضٍ؛ امری که انتظارش را می کشید نخواهد شد تا برخی از شما از دیگری بیزاری جسته و برخی دیگری را لعن کرده و بعضی آب دهان بر روی بعض دیگر انداخته و حتی برخی از شما به کفر برخی دیگر شهادت می دهید.» (طوسی، ۱۴۱۱: ۴۳۸)

۳. «يُؤَيِّدُهُ اللَّهُ بِمَلَائِكَتِهِ وَ يَعْصِمُ أَنْصَارَهُ وَ يَنْصُرُهُ بِآيَاتِهِ...؛ خداوند او را با فرشتگانش تأیید کرده و یارانش را مصون نگه داشته و با نشانه های خویش او را یاری می کند.» (طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ۲۹۱)

روشن و حجت را بر همگان تمام می‌کند.

۶. پیروزی او بر اهل زمین و يَمَلَأُ اللَّهُ الْأَرْضَ عَدْلًا و...؛^۱ پرتکرارترین ندای مهدوی در میان آموزه‌های معصومین همین سخن است؛ سخنی که شور و امید را در دل شیعه حتی در هنگامه شکست در برابر آل ابی‌سفیان و آل معاویه زنده می‌داشت.

۷. روزگار در حکومت امام علیه السلام؛ ایمان همگان، صلح و آرامش حتی میان درندگان، رویش زمین و برکات آسمان و آشکار شدن گنج‌ها، چهل سال حکومت امام؛^۲ این تصویر جامعه‌ای را نشان می‌دهد که از امام و حجت خدا علیه السلام برخوردار است. این مواهب برای آن هاست که خود را به شایستگی حضور در جامعه علوی و مهدوی رسانده باشند. این همه رشد، برکت و آرامش حاصل زندگی در سایه سار حکومت معصوم علیه السلام است و حکومت ترازوی که شیعه توقع آن را دارد همین است.

محورهای بحث در سخنان امام حسین علیه السلام

عصر حسین علیه السلام ادامه‌ای بر عصر حسن علیه السلام در غربت و تنهایی معصومین و سیطره ظالمان است. اما رهبری حسن بن علی علیه السلام از آشفتگی و تحریر جامعه شیعه کاست و محوریت اهل بیت را سبب شد. در کلمات کم‌شماری که از امام حسین علیه السلام در بحث مهدویت بر جای مانده، چند محور مورد توجه است:

۱. نهمین فرزند من؛^۳ تعیین خط وصایت هم از سوی حسن علیه السلام و هم از سوی حسین علیه السلام برای شیعه بسیار راه‌گشا است؛ زیرا این دو، مهر پیامبر و علی را بر مقام و زبان خود دارند و راه را بر سوءاستفاده مدعیان می‌بندند. مشخص کردن تعداد واسطه‌ها میان حسین علیه السلام و امام غایب، حجتی قاطع بر آنان است که ادعای وقف بر امام کاظم و غیر او را مطرح کردند و همچنین پاسخی محکم به شبهه بی‌فرزندی امام عسکری علیه السلام است.

۱. «وَ يُظْهِرُهُ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ حَتَّى يَدِينُوا طَوْعاً وَ كَرْهاً يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا وَ نُوراً وَ يُزْهِنَانَا يَدِينُ لَهُ عَرْضَ الْبِلَادِ وَ طُولَهَا لَا يَبْقَى كَافِرٌ إِلَّا آمَنَ بِهِ وَ لَا طَالِحٌ إِلَّا صَلَحَ؛ او را بر تمام اهل زمین چیره سازد تا جایی که همه - چه با میل چه با کراهت - مطیع او شوند. او زمین را پر از قسط و عدل و نور و برهان کند، تا جایی که تمامی سرزمین‌ها پیرو او شوند، همه کافران به او ایمان آورده و مردم تبهکار صالح شوند.» (همو)

۲. «وَ تَضَلُّحٌ فِي مُلْكِهِ السَّبَاغُ وَ تُخْرِجُ الْأَرْضُ نَبْتَهَا وَ تُنْزِلُ السَّمَاءُ بَرَكَتَهَا وَ تَطْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ يَمْلِكُ مَا بَيْنَ الْخَافِقَيْنِ أَرْبَعِينَ عَاماً فَطَوَّبَى لِمَنْ أَدْرَكَ أَبَا مَهْ وَ سَمِعَ كَلَامَهُ؛ درندگان در حکومت او آرام و در صلحند، و زمین روییدنی خود را ظاهر و آسمان برکاتش را نازل ساخته و تمام گنج‌ها برایش آشکار شده، و برای چهل سال بر تمام عالم حاکم شود؛ خوشا به حال کسی که روزگار او را درک می‌کند و سخنش را می‌شنود.» (همو)

۳. «قَائِمٌ هَذِهِ الْأُمَّةَ هُوَ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِي وَ هُوَ صَاحِبُ الْعَنَبَةِ وَ هُوَ الَّذِي يُقْسَمُ مِيرَاثُهُ وَ هُوَ حَيٌّ.» (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ۳۱۷)

۲. کشتار سنگین قریش؛^۱ در میان قبایل عرب، بزرگ‌ترین دشمنان پیامبر ﷺ و جان‌شینان او از قبیله قریش‌اند. علی علیه السلام سزّاین دشمنی را در حسادت و احساس حقارتی می‌داند که با انتخاب پیامبر ﷺ و علی علیه السلام در دل ایشان جای گرفت؛^۲ احساسی که با شکست‌هایی از امیرمؤمنان علیه السلام و خواری‌ها و نابودی‌ها به کینه‌هایی عمیق بدل شد.^۳

کربلا اوج کینه‌توزی‌های قریش به هنگام قدرت است. قریش در عصر امام حسن و امام حسین علیهما السلام همه کفر، کینه، حسد و احساس حقارت خود را آشکار می‌کند. خبر دادن حسین علیه السلام به کشتار این جنایتکاران به دست مهدی علیه السلام و برقراری موازین حق و عدل می‌تواند نوعی تشفی برای شیعیان رنج‌کشیده و شاید تحذیری برای جنایتکاران قریش باشد.

۳. غلبه دین بر سایر ادیان و یملاً الله ...؛^۴ وعده پیروزی کامل و تکرار نوای «یملاً الله ...» در دل شیعیان رنج‌کشیده و محصور، بذرا امید می‌کارد و شور و نشاط آورده، تحمل رنج‌ها را سبک‌تر می‌کند.

۴. تصریح به طولانی بودن غیبت، پیدایش تردید و تزلزل‌ها در این عصر و ارزش صبر؛^۵ غیبت برای کسانی که عصر حضور را درک کرده‌اند خطر آشفتگی، بازگشت و تزلزل را دارد.

۱. «عَنْ بَشْرِ بْنِ غَالِبِ الْأَسَدِيِّ قَالَ: قَالَ لِي الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام: يَا بَشْرُ! مَا بَقَاءُ قُرَيْشٍ إِذَا قَدَّمَ الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ مِنْهُمْ خَمْسِمِائَةَ رَجُلٍ فَضَرَبَ أَعْنَاقَهُمْ صَبْرًا ثُمَّ قَدَّمَ خَمْسِمِائَةَ فَضَرَبَ أَعْنَاقَهُمْ صَبْرًا ثُمَّ خَمْسِمِائَةَ فَضَرَبَ أَعْنَاقَهُمْ صَبْرًا؛ بشر بن غالب اسدی می‌گوید: حسین بن علی علیه السلام به من فرمود: ای بشر، از قریش چه می‌ماند اگر قائم مهدی پانصد نفر از آنان را پیش کشد و همه را دست‌بسته گردن زند، سپس پانصد نفر را پیش کشد و همه را دست‌بسته گردن زند، سپس پانصد تن و همه را دست‌بسته گردن زند؟» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۳۵)

۲. «عن علي عليه السلام ما لي و لقرئش؟! و الله لقد قاتلهم كافرين و لأقاتلتهم مفتونين و آتي لصاحبهم بالأمس كما أنا صاحبهم اليوم و الله ما تنقم منّا قرئش إلا أن الله اختارنا عليهم فأدخلناهم في حيزنا؛ مرا با قریش چه کار؟! به خدا در روزگار کفرشان با آنان جنگیدم، امروز هم محض انحرافشان با آنان پیکار می‌کنم. دیروز رویارویشان قرار داشتیم، امروز هم در مقابلشان ایستاده‌ام. به خدا قسم، قریش کینه‌ای از ما ندارد جز آن‌که خدا ما را بر آنان برگزید، و ما آنان را در زمره خود درآوردیم.» (شریف رضی، ۱۴۱۴: ۷۷)

۳. «عَنْ جَعْفَرِ عَنْ أَبِيهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَجُلٌ لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السلام: مَا أَشَدَّ بَغْضَ قُرَيْشٍ لِأَبِيكَ! قَالَ: لِأَنَّهُ أَوْزَدَ أَوْلَاهُمْ النَّارَ وَالرَّيْمَ أَخْرَجَهُمُ النَّارَ؛ مردی نزد علی بن حسین علیهما السلام آمد و گفت: چه سخت بغضی دارند قریش به پدرت! فرمود: از برای آن‌که اولشان را به آتش کشید و پایانشان را با بی‌ابرویی همراه کرد.» (اربلی، ۱۳۸۱: ج ۲، ۱۰۷)

۴. «هُوَ الْإِمَامُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ يُحْيِي اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ يُظَاهِرُ بِهِ دِينَ الْحَقِّ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ لَهُ؛ اوست امامی که به حق قیام می‌کند. زمین پس از مرگش به او زنده شده و دین حق بر همه ادیان پیروز می‌گردد، اگر چه مشرکان را خوش نیاید.» (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ۳۱۷)

«هُوَ قَائِمٌ أَهْلُ الْبَيْتِ يُصْلِحُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَمْرَهُ فِي لَيْلَةِ وَاحِدَةٍ.» (همو؛ همچنین همو، ۱۳۷۸: ج ۱، ۶۸؛ حر عاملی، ۱۴۱۹: ج ۵، ۱۹۶)

۵. «هو الذي يغيب مدة طويلة ثم يظهر و يملأ الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً.» (حر عاملی، ۱۴۱۹: ج ۵، ۱۹۶)

«لَهُ غَيْبَةٌ يَزِدُّ فِيهَا قَوْمٌ وَ يَنْبُتُ عَلَى الدِّينِ فِيهَا آخِرُونَ فَيُؤَدُّونَ فَيَقَالُ لَهُمْ: مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ أَمَا إِنَّ الصَّابِرَ فِي غَيْبَتِهِ عَلَى الْأَذَى وَ التَّكْذِيبِ بِمَنْزِلَةِ الْمَجَاهِدِ بِالسَّيْفِ تَبِيْنٌ يَدْعِي رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله.» (صدوق، ۱۳۷۸: ج ۱، ۶۸)

این خطر برای آنان که جز بر شنیده‌ها و خواننده‌ها تکیه ندارند نیز هست، البته با عواملی متفاوت.

ارائه این تصویرها از آینده، ذهن و روح جامعه شیعه را برای دوره غیبت آماده می‌کند. این تصویرسازی از سوی حسین بن علی علیه السلام می‌تواند به توجه به نقش و جایگاه امام حاضر انجامد و ارتباطی قوی‌تر را سبب شود.

۵. رنج‌های امام در غیبت و جنگ بی‌انقطاع هشت‌ماهه؛^۱ شناخت رنج‌ها و تلاش‌های مهدی علیه السلام توجه و محبت به او را به دنبال دارد؛ زیرا این رنج‌ها و تلاش‌ها برای بهروزی و سعادت مردم است.

۶. تقسیم میراث امام در زمان حیاتش؛^۲ امام چنان از دیده‌ها پنهان ماند که حتی در تقسیم ارث پدر، او در نظر نبود. شمشیرهایی که سال‌ها تولد او را انتظار می‌کشید تنها این‌گونه بود که راه گم می‌کرد. او امامی است که حتی میلادش مستور است و این پنهان‌کاری ناگزیر، هم علامتی برای راه‌جویان است و هم زمینه‌ای است برای رویش تردیدها. اعلام این نکته از سوی معصومین علیهم السلام زمینه تردید را به دلیل صداقت بدل می‌کند و از تاریکی راهی به سوی نور می‌گشاید.

۷. وسعت عدل او برای بزرگواران؛^۳ عدالت قائم وسعت‌آفرین است. رعایت استحقاق‌ها و حراست از حدود و مرزهای فردی و اجتماعی از یک سو امنیتی پایدار را به دنبال دارد و از سوی دیگر برای همگان فرصت‌های مناسب رشد فراهم می‌کند. میوه‌های این فضای تازه، در دسترس همه چه خوب و چه بد - خواهد بود.

این بشارت، شوق به ظهور او را در دل هر مؤمنی می‌نشانند. عدل چنان عرضی عریض برای

۱. «قُلْتُ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام: أَنْتَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ؟ قَالَ: لَا، وَلَكِنْ صَاحِبُ الْأَمْرِ الطَّرِيدُ الشَّرِيدُ، الْمُؤْتَوِّرُ بِأَبِيهِ، الْمَكْتَنِي بِعَمِّهِ، يَضَعُ سَيْفَهُ عَلَى عَاتِقِهِ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ؛ بِهِ حُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام عَرَضَ كَرْدَمَ: تَو صَاحِبِ أَمْرِ هَسْتِي؟ فَرَمُودَ: نَه، صَاحِبِ الْأَمْرِ طَرْدَ شَدَّةً فَرَارِيَّ اسْتِ، خُونِ خَوَاهِ پَدْر، كَنِيبَةِ اش بَا نَامِ عَمُوشِ اسْتِ كِه شَمَشِيرِش هَسْتِ مَاهِ بَر دُوشِش خَوَاهِد بُوَد.» (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۱۱۵)

۲. «هُوَ صَاحِبُ الْعَيْبَةِ وَهُوَ الَّذِي يُقَسِّمُ مِيرَاثَهُ وَهُوَ حَيٌّ؛ أَوْ هَمْرَاهِ غَيْبَتِ اسْتِ وَ أَوْ كَسِي اسْتِ كِه دَر حَالِي كِه زَنْدِه اسْتِ ارْتِشِش تَقْسِيمِ مِي شُود.» (همو)

۳. «عَنْ بَشْرِ بْنِ غَالِبٍ الْأَسَدِيِّ قَالَ: حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام قَالَ: قَالَ لِي يَا بَشْرُ بْنُ غَالِبٍ! مَنْ أَحَبَّنَا لَا يُحِبُّنَا إِلَّا لِلَّهِ جِئْنَا نَحْنُ وَ هُوَ كَهَاتَيْنِ وَ قَدَّرَ بَيْنَ سَبَابَتَيْهِ وَ مَنْ أَحَبَّنَا لَا يُحِبُّنَا إِلَّا لِلدُّنْيَا فَإِنَّهُ إِذَا قَامَ قَائِمُ الْعَدْلِ وَ شَعَّ عَدْلُهُ الْبَرُّ وَ الْفَاجِرُ؛ از بَشْرِ بْنِ غَالِبِ اسَدِي نَقْلِ شُدِه اسْتِ كِه: حُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام بِه مَن كَفْت: اِي بَشْرِ بْنِ غَالِبِ، هَر كَس مَا رَا دُوسْتِ بَدَارْدِ نِه دُوسْتِ دَاشْتَنِي جَز بَرایِ خُدَا، مَا وَ أَوْ هَمَانْدِ اَيْنِ دُو - بَا دُو اَنكَشْتِ سَبَابَه اش اَنْدَازِه كَرَفْت - بَا اَيْنِ فَاصِلِه هَمْرَاهِ خَوَاهِيمِ بُوَد وَ اَكْر كَسِي مَا رَا جَز بَرایِ دُنْيَا دُوسْتِ نَدَاشْتِه بَاشْد، پَس بِه رَاسْتِي هَنَكَمِي كِه بِه پَادَارَنْدِه عَدْلِ قِيَامِ كُنْد، عَدَالْتِشِش شَامِلِ حَالِ نِيكُوكَارِ وَ بَدَكَارِ مِي شُود.» (برقی، ۱۳۷۱: ج ۱، ۶۱)

رشد، امنیت و بهره‌مندی درست فراهم می‌آورد که دنیاطلبان و بدکاران گرفتار ظلم نیز برای رسیدن به این زندگی سرشار اشتیاق ظهور حکومت عدل را خواهند داشت.

۸. اصلاح امور مهدی علیه السلام در یک شب، همانند یوسف و موسی بن عمران علیهم السلام؛^۱ این نکته از حسین بن علی علیه السلام نقل شده که امور مهدی علیه السلام در یک شب اصلاح می‌شود؛ همان سنتی که در اصلاح امر یوسف و موسی بن عمران علیهم السلام ظهور کرد. اشاره به تکرار سنت الهی درباره او می‌تواند اشاره به خط اتصال جریان حق باشد که سرآغاز آن را باید در اولیا و انبیای گذشته جست؛ سنتی که در اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله نیز ادامه خواهد یافت.

وعدۀ امام بر اصلاح امر قائم علیه السلام در یک شب این نوید را در خود دارد که آن جا که امر حق باشد راه‌های دور نزدیک خواهد شد. در میان آشفتگی‌ها و بی‌سروسامانی‌ها نباید به یأس نشست که اگر برای او بکوشیم و خود را به شرایط امداد حق برسانیم، دخالت او هر مشکلی را حل می‌کند که او از مانع‌ها مرکب می‌سازد و از بن بست‌ها راه می‌گشاید.

محورهای بحث در سخنان امام سجاد علیه السلام

۱. از فرزندان فاطمه، از ذریه حسین، و هفتمین فرزند امام باقر علیه السلام (مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۲۸: ج ۴، ۲۷۸، ۲۷۹ و ۲۹۹)؛ ادعای مهدویت و سوسه‌ای است که بسیاری از دنیاطلبان را به سوی خود کشاند. وعدۀ رسول خدا صلی الله علیه و آله به نجات امتش از ظلم با ظهور مهدی به نوعی عشق و انتظار بدل شد؛ عشق و انتظاری که اگر محبوب و موعود خود را بیابد سر و دل درگروی او می‌گذارد.

دستیابی به این قدرت معنوی آرزوی کسانی شد که آماده بودند دین را برای رسیدن به قدرت هزینه کنند. توضیحات امام سجاد علیه السلام راه را بر سوءاستفاده‌ها تنگ می‌کرد. مهدی علیه السلام از اولاد فاطمه علیها السلام است و کیسانیه و عباسیان جایی برای ادعای مهدویت ندارد. تنها جانشین سبط پیامبر صلی الله علیه و آله - یعنی امام سجاد علیه السلام - خط وصایت و مهدویت را در اولاد حسین منحصر می‌کند تا جایی برای مدعیان بنی‌الحسن باقی نباشد و خط را به باقر علیه السلام می‌رساند تا زیدیه و شعارهای انقلابی‌اش حق جویان را دچار تردید نکند و خط وصایت را در نسل بزرگی چون زید فرزند امام سجاد علیه السلام نجوید، اگر چه به شمشیر قیام کرده و در راه نهی از منکر به خون

۱. «قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام: فِي التَّاسِعِ مِنْ وُلْدِي سُنَّةٌ مِنْ يُوسُفَ وَ سُنَّةٌ مِنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عليهما السلام وَ هُوَ قَائِمُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ يُضْلِحُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَمْرَهُ فِي لَيْلَةٍ وَاجِدَةٌ؛ حسين بن علی علیه السلام فرمود: در نهمین فرزندم سنتی از یوسف و سنتی از موسی بن عمران علیهم السلام هست و او قیام‌کننده ما اهل بیت است. خدای تبارک و تعالی کار او را در یک شب اصلاح می‌کند.» (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ۳۱۷)

نشسته باشد.

او هفتمین فرزند باقر علیه السلام است، پس واقفه به غلط کوشیدند به امامت امام رضا علیه السلام تن نداده و مهدویت امام کاظم علیه السلام را علم کنند. این عدد حجتی نیز هست بر وجود فرزندی برای امام عسکری علیه السلام حتی اگر مورخان، بی اطلاع از تولد پنهانی او باشند.

۲. معرفی امام در قالب سلام بر او با بیان القاب، مخفی بودن ولادت و نبودن بیعت طاغیان بر گردنش؛^۱ توصیف هر یک از ائمه علیهم السلام در قالب زیارت نامه‌ها و ترسیم جایگاه ایشان روشی معمول در احادیث است. در احادیث مهدوی گاه در قالب زیارت، سلام و عرض ارادت فضایل و ویژگی‌های امام برشمرده شده است.

در زیارتی منقول از امام سجاد علیه السلام، حضرت مهدی علیه السلام با ذکر برخی اوصاف مورد زیارت قرار گرفته و به محضر او عرض سلام شده است. امام سجاد علیه السلام ده‌ها سال پیش از ولادت مهدی علیه السلام او را زیارت کرده است؛ این شیوه بیان برای مخاطب خبر از حتمی بودن غیبت و ظهور آن امام دارد و او را در ذهن و دل شیعه چنان زنده می‌دارد که حتی پیش از میلاد نیز او را مخاطب قرار داده و برای سلامتی اش دعا می‌کند.

از سر تأکید بر مخفی بودن ولادت مهدی علیه السلام پیش‌تر گفتیم. پنهان ماندن ولادت امام علیه السلام فراغتی را نیز موجب می‌شود و آن خارج ماندن از دایره تحمیل‌های حکومتی است. اگر مهدی علیه السلام شناخته می‌شد، چاره‌ای جز تعیین تکلیف خود با حکومت‌ها نداشت و با آماده نبودن شرایط قیام، گریزی از بیعت نبود؛ بیعتی که او را متعهد و در چارچوبی محدود می‌کرد. ناشناختگی امکانی است تا نگاه‌ها بر تو متمرکز نشده و حساسیت‌ها از بین برود، مجبور به تعیین تکلیف و پذیرش چارچوب نباشی و در حرکت‌ها و شروع و ختم‌ها آزادانه عمل کنی.

۳. معرفی جعفر کذاب و شرح کارهای او؛^۲ پنهان ماندن تولد امام علیه السلام زمینه‌ای برای

۱. «وَ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ وَ الْحُجَّةَ الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ الْإِمَامِ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، اللَّهُمَّ وَالِّ مَنْ وَالَاهُمْ.» (ابن طاوس، ۲۳۳: ۱۴۱)

«تَخْفَى وَ لَادَتْهُ عَلَى النَّاسِ حَتَّى يَقُولُوا لَمْ يُولَدْ بَعْدَ لِيَخْرُجْ حِينَ يَخْرُجُ وَ لَيْسَ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بِنَعَّةٌ؛ وَ لَادَتْهُ مَخْفَى مِى مَانَد تَا جَابِي كَه مِي كُوبِنْد مَتُولَد نَشْد بَرَاى اَيْن كَه هِنْكَام خُرُوج، بِيَعْت كَسِي بَر كُورْدَنَش نَبَاشْد.» (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ۳۲۳)

۲. «قُلْتُ لَهُ: يَا سَيِّدِي! فَكَيْفَ صَارَ اسْمُهُ الصَّادِقَ وَ كَلُّكُمْ صَادِقُونَ؟ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عليه السلام أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله قَالَ: إِذَا وُلِدَ ابْنِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام فَسَمُوهُ الصَّادِقَ فَإِنَّ لِلْحَامِسِ مِنْ وَلَدِهِ وَ لَدَا اسْمُهُ جَعْفَرٌ يَدْعِي الْإِمَامَةَ اجْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ وَ كَذِباً عَلَيْهِ فَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ جَعْفَرُ الْكَذَّابِ الْمُفْتَرِي عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الْمُدْعَى لِمَا لَيْسَ لَهُ بِأَهْلِ الْمُخَالَفِ عَلَى أَبِيهِ وَ الْخَاسِدُ لِأَخِيهِ ذَلِكَ الَّذِي يَرُومُ كَشْفَ سِتْرِ اللَّهِ عِنْدَ غَيْبَتِهِ وَ لِي اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ. ثُمَّ بَكَى عَلَيَّ

سوء استفاده قدرت طلبی های فرزند ناخلف امام هادی علیه السلام بود. جعفر بن هادی در چنین زمینه ای و با آگاهی از حساسیت حکومت به بیت امام عسکری علیه السلام و همچنین استفاده از تمایل حاکمان به جانشینی فرد نامناسب و آلوده ای مانند او به توطئه پرداخت؛ توطئه ای برای دستیابی به آن چه از امام عسکری بر جای مانده بود؛ توطئه ای که برای توفیق آن باکی از قتل امام علیه السلام نیز نداشت.

توطئه جعفر کذاب با توجه به ناگزیری اصحاب و اهل بیت امام عسکری علیه السلام از سکوت می توانست به انحراف یا ارتداد بسیاری انجامد و دفع این توطئه جز با توضیح ائمه پیشین ممکن نبود. اولین نشانه های روشن گری در باب فتنه جعفر کذاب را در عصر امام سجاد علیه السلام می توان یافت.

۴. تعبیر غریب «لا یقوم القائم بلا سفیانی» که معنای عامی به سفیانی می دهد؛^۱ حمیری در قرب الاسناد از امام سجاد علیه السلام این نکته را نقل کرده است که «قائم ما زمانی برای ملاقات و آشنایی مردم قیام می کند.^۲ سپس فرمود: قائم بدون یک سفیانی قیام نخواهد کرد. مسئله

بُنِ الْحُسَيْنِ علیه السلام بَكَاءٌ شَدِيداً ثُمَّ قَالَ: كَأَنِّي بِجَعْفَرِ الْكَذَّابِ وَ قَدْ حَمَلَ طَاغِيَةَ زَمَانِهِ عَلَى تَفْتِيهِشِ أَمْرٍ وَلِيَ اللهُ وَ الْمَعْتَبِ فِي حِفْظِ اللهِ وَ التَّوَكُّيلِ بِحَرَمِ أَبِيهِ جَهْلًا مِنْهُ بِوِلَادَتِهِ وَ حِرْصًا مِنْهُ عَلَى قَتْلِهِ إِنْ كَلَفَ بِهِ وَ طَمَعًا فِي مِيرَاثِهِ حَتَّى تَأْخُذَهُ بِغَيْرِ حَقِّهِ؛ گفتم: ای سرورم، چرا نام او صادق شده است در حالی که همه شما صادق هستید؟ فرمود: پدرم از پدران او از رسول خدا - صلوات الله عليهم اجمعين - روایت فرموده است: آن گاه که فرزندم جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام متولد شد، نامش را صادق بگذارید که پنجمین از سلاله او فرزندی است که نامش جعفر است که از روی تجزی بر خدای تعالی و دروغ بستن بر او ادعای امامت می کند و او نزد خدا جعفر کذاب و مفتوری بر خدای تعالی است و مدعی مقامی است که اهل آن نیست و مخالف پدر خویش و حسود بر برادر خود است. او کسی است که می خواهد در هنگام غیبت ولی خدای تعالی او را بر ملا سازد. سپس علی بن الحسین علیه السلام به سختی گریست، آن گاه فرمود: گویا جعفر کذاب را می بینم که طاغی زمانش را وادار می کند تا در امر ولی الله و غایب در حفظ الهی و موکل بر حرم پدرش تفتیش کند به سبب جهلی که بر ولادت او دارد، و حرصی که بر قتل او دارد، اگر به او دسترسی یابد، و طمعی که به میراث او دارد تا آن را به ناحق غصب کند.» (همو: ۳۲۰)

۱. «عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ علیه السلام قَالَ: يَقُومُ قَائِمُنَا لِمُؤَافَاةِ النَّاسِ سَنَةً. قَالَ: يَقُومُ الْقَائِمُ بِلاِ سَفِيَانِي! إِنَّ أَمْرَ الْقَائِمِ حَتْمٌ مِنَ اللهِ، وَ أَمْرُ السَّفِيَانِي حَتْمٌ مِنَ اللهِ، وَ لا يَكُونُ قَائِمٌ إِلاَّ بِسَفِيَانِي؛ از علی بن حسین علیه السلام نقل شده که فرمود: قائم ما در موسمی که مردم به حج می روند قیام می کند. پرسیدم: آیا قائم بدون خروج سفیانی قیام می کند؟ فرمود: قیام قائم ما از جانب خدا حتمی و آمدن سفیانی نیز همین گونه حتمی است و قائم نخواهد بود مگر همراه با یک سفیانی.» (حمیری، ۱۴۱۳: ۳۷۴)

۲. «عن المفضل بن عمر عن الصادق علیه السلام ... قَالَ الْمَفْضَلُ: يَا مَوْلَايَ فَكَيْفَ بَدَأَ ظُهُورَ الْمَهْدِيِّ علیه السلام وَ إِلَيْهِ التَّسْلِيمُ؟ قَالَ علیه السلام: يَا مَفْضَلُ! يُظَاهِرُ فِي شُبُهَةِ لَيْسْتَيْبِينَ فَيَعْلُو ذِكْرَهُ وَ يُظَاهِرُ أَمْرَهُ وَ يُنَادِي بِاسْمِهِ وَ كُنْيَتِهِ وَ نَسَبِهِ وَ يَكْتُمُ ذَلِكَ عَلَى أَفْوَاهِ الْمُحَقِّقِينَ وَ الْمُبْطَلِينَ وَ الْمُؤَافِقِينَ وَ الْمُخَالِفِينَ لِتَلَزِمَهُمُ الْحُجَّةَ بِمَعْرِفَتِهِمْ بِهِ عَلَى أَنَّهُ قَدْ قَصَصْنَا وَ دَلَّلْنَا عَلَيْهِ وَ نَسَبْنَا وَ سَمَّيْنَاهُ وَ كَتَبْنَاهُ وَ قُلْنَا سُمِّيَ جَدُّهُ رَسُولُ اللهِ صَوِّ كُنْيَتَهُ لِئَلَّا يَقُولَ النَّاسُ مَا عَرَفْنَا لَهُ اسْمًا وَ لا كُنْيَةً وَ لا نَسَبًا وَ اللهُ لَيَتَحَقَّنَ الْإِفْصَاحَ بِهِ وَ بِاسْمِهِ وَ نَسَبِهِ وَ كُنْيَتِهِ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ حَتَّى لَيْسَمِيَهُ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ كُلُّ ذَلِكَ لِلزُّومِ الْحُجَّةَ عَلَيْهِمْ ثُمَّ يُظَاهِرُهُ اللهُ كَمَا وَعَدَ بِهِ جَدُّهُ صَفِي قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظَاهِرَهُ عَلَى الذِّبْنِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»؛ مفضل [به امام

قائم و مسئله سفیانی امری حتمی از جانب خداست.» استفاده از لفظ نکره درباره سفیانی، نشان از آن دارد که سفیانی می‌تواند عنوانی برای یک گونه یا به اصطلاح امروز تیب باشد نه نام شخصی معین. این تعبیر همراه با تعابیر مشابه درباره دجال می‌تواند قرینه‌ای بر نمادین بودن برخی علایم ظهور باشد.

۵. دعا برای امام و برای تعجیل فرج او و اشاره به برخی ویژگی‌ها در قالب دعا و همچنین شفیع قرار دادن او (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۰۱ - ۳۱۱)؛ دعای امام سجاد علیه السلام برای امامی که تولد نیافته، درخواست تعجیل در فرج او و همچنین شفیع قرار دادن آن حضرت به درگاه پروردگار سبب می‌شود موعود علیه السلام پیش از آن که پای در دنیا بگذارد در دل‌ها زنده و حاضر باشد و ذهن‌ها به او متوجه گردد.

در سخنان امام سجاد علیه السلام تکرار نکاتی را مشاهده می‌کنیم که پیش‌تر از سوی معصومین به آن اشاره شده بود؛ نکاتی مانند:

الف) طولانی شدن غیبت و فضیلت‌های اهل زمان غیبت و منتظران ظهور؛^۱ قرارگرفتن در غیبت می‌تواند فرصت باشد نه حرمان که می‌توان در غیبت، از منتظران بود و از حاضران در رکاب معصوم علیه السلام پیش افتاد. در همین روایات انتظار فرج را برترین فرج‌ها شمرده شده است؛

صادق علیه السلام گفت: در وقت ظهورش چگونه است؟ فرمود: ای مفضل، او در فضای شبهه‌ناکی آشکار می‌شود، تا تردیدها را از بین ببرد، یادش بلند شده، کارش آشکار گردیده و به نام و کنیه و نسبش فریاد شده، از دهان اهل حق و باطل و موافق و مخالف بسیار شنیده می‌شود تا با شناخت او حجت بر مردم تمام شود، با آن که ما از او گفته‌ایم و به سویی راهنمایی کرده و نام، نسبت و کنیه‌اش را برده و گفته‌ایم که او هم نام جدش پیغمبر خدا و هم کنیه اوست تا مبادا مردم بگویند اسم و کنیه و نسب او را نشناختیم! به خدا سوگند چنان او و نام و نسب و کنیه‌اش بر زبان‌ها جای می‌گیرد که از همه این‌ها برای یکدیگر نام می‌برند. همه این‌ها برای اتمام حجت بر آن‌هاست. آن‌گاه همان طور که جدش وعده داده، خداوند او را غلبه می‌دهد، همان‌گونه که به جد او علیه السلام وعده کرده بود در سخن خدای عز و جل: اوست کسی که فرستاده خود را با هدایت و آیین درست روانه کرد، تا آن را بر هر چه دین است فائق گرداند، هر چند مشرکان را ناخوش آید. (خصیبه، ۱۴۱۹: ج ۱، ۳۹۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۳، ۵۳ و ۴)

۱. «قَالَ: ثُمَّ تَمْتَدُّ الْعَيْبَةُ بِوَلِيِّ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ الثَّانِي عَشَرَ مِنْ أَوْصِيَاءِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ. يَا أَبَا خَالِدٍ! إِنَّ أَهْلَ زَمَانِ غَيْبَتِهِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ وَ الْمُنتَظِرِينَ لظُهُورِهِ أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَ الْأَفْهَامِ وَ الْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْعَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ وَ جَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ بِالسَّيْفِ أَوْلِيَاكَ الْمُخْلِصُونَ حَقًّا وَ شَبِيعَتُنَا صِدْقًا وَ الدَّعَاةُ إِلَى دِينِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ سِرًّا وَ جَهْرًا؛ فرمود: پس از آن غیبت ولی خدا - دوازدهمین وصی رسول خدا علیه السلام - طولانی خواهد شد. ای اباخالد، مردم زمان غیبت آن امام - که معتقد به امامت و منتظر ظهور او هستند - از مردم هر زمانی برترند، زیرا خدای تعالی عقل و فهم و معرفتی به آن‌ها عطا فرموده است که غیبت نزد آنان به منزله مشاهده است، و آنان را در آن زمان به مانند مجاهدان پیش روی رسول خدا علیه السلام که با شمشیر به جهاد برخاسته‌اند قرار داده است. آنان مخلصان حقیقی و شبیعیان راستین ما و دعوت‌کنندگان به دین خدای تعالی در نهان و آشکارند.» (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۳۲۰)

«وَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ علیه السلام: انْتَظَرُوا الْفَرَجَ مِنْ أَعْظَمِ الْفَرَجِ؛ انتظار گشایش از بزرگ‌ترین گشایش هاست.» (همو؛ وعده اجر بسیار بر ثبات بر موالات ائمه در غیبت: همو؛ ۲۲۳)

زیرا گشایش و پیروزی بزرگ‌تر در نبرد مؤمن با شیطان و نفس شکل می‌گیرد. (ب) جریان سنت‌های انبیایی مانند نوح، ابراهیم، موسی، عیسی، ایوب علیهم‌السلام و محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در او؛^۱ این تذکر تداوم سنت‌های اولیای خدا را گوشزد کرده و غرابت زندگی و رفتارهای مهدی علیه‌السلام را از ذهن مخاطبان می‌زداید و در کنار آن گوشه‌هایی از آموزه‌های مهدوی را آموزش می‌دهد.

(ج) چگونگی شروع قیام، همراهی ملائک، تعداد همراهان و محل ظهور در شهر کوفه (مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۲۸: ج ۴، ۲۹۳ و ۲۹۸)؛ این توضیحات علاماتی برای تشخیص به دست می‌دهد و اتصال آسمان به زمین را در عصر ظهور ترسیم کرده و بر حقانیت مهدی علیه‌السلام تأکید می‌کنند. این توضیحات مخاطب را با موقعیت امام سجاد علیه‌السلام نیز آشنا نموده و آگاهی و احاطه را بر آینده‌ها گوشزد می‌نماید.

(د) اشاره به برخی علایم ظهور: خروج‌ها و فاجعه‌ها (همو: ۲۹۲ - ۲۹۷)؛^۲ (ه) قدرت یافتن فوق‌العاده مؤمنان هنگام قیام قائم، پیروزی اسلام بر سایر ادیان هنگام ظهور او، تکرار تعبیر «یملأ الله...»؛^۳ که پیش‌تر از سزائیه این آموزه سخن گفته شد.

نتیجه

در تعلیم آموزه‌های مهدویت از عصر امام علی تا عصر حضرت سجاد علیه‌السلام چند نکته لحاظ شده است:

یکم، بیان جنبه‌هایی از معارف مهدوی که با نیازهای آن روز مخاطبان تماس

۱. «في القَائِمِ مِثْلَ سُنَنِ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ، سُنَّةٌ مِنْ أَيْبِنَا آدَمَ عليه‌السلام وَ سُنَّةٌ مِنْ نُوحٍ وَ سُنَّةٌ مِنْ إِبْرَاهِيمَ وَ سُنَّةٌ مِنْ مُوسَى وَ سُنَّةٌ مِنْ عِيسَى وَ سُنَّةٌ مِنْ أَيُّوبَ وَ سُنَّةٌ مِنْ مُحَمَّدٍ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم. فَأَمَّا مِنْ آدَمَ وَ نُوحٍ فَطَوَّلَ الْعُمُرَ، وَأَمَّا مِنْ إِبْرَاهِيمَ فَخَفَاءَ الْوِلَادَةِ وَ اغْتِزَالَ النَّاسِ، وَ أَمَّا مِنْ مُوسَى فَالْخَوْفَ وَ الْغَيْبَةَ، وَأَمَّا مِنْ عِيسَى فَاخْتِلَافَ النَّاسِ فِيهِ، وَأَمَّا مِنْ أَيُّوبَ فَالْفَرَجَ بَعْدَ الْبَلْوَى، وَأَمَّا مِنْ مُحَمَّدٍ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فَالْخُرُوجَ بِالسَّيْفِ؛ در قائم ما سنت‌هایی از انبیاء وجود دارد: سنتی از پدرمان آدم علیه‌السلام و سنتی از نوح و سنتی از ابراهیم و سنتی از موسی و سنتی از عیسی و سنتی از ایوب علیه‌السلام و سنتی از محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم. از آدم و نوح طول عمر، از ابراهیم پنهانی ولادت و کناره‌گیری از مردم، از موسی خوف و غیبت، از عیسی اختلاف مردم درباره او، از ایوب فرج پس از گرفتاری، و از محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خروج با شمشیر.» (همو: ۳۲۲)

۲. در این روایات از سفیانی، خروج عوف بن سلمی و خروج شعیب بن صالح از سمرقند و از تسلط تاتارها بر بغداد و همچنین از برخی بلایای طبیعی در نجف به عنوان علایم خروج مهدی علیه‌السلام سخن گفته شده است.

۳. «عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ علیه‌السلام قَالَ: إِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَذْهَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَنْ شِيعَتِنَا الْعَاهَةَ وَ جَعَلَ قُلُوبَهُمْ كَزَبْرِ الْحَدِيدِ وَ جَعَلَ قُوَّةَ الرَّجُلِ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا وَ يَكُونُونَ حُكَّامَ الْأَرْضِ وَ سَنَامَهَا؛ از امام سجاد علیه‌السلام نقل شده است که فرمود: آن‌گاه که قائم ما قیام کند، خداوند متعال همه بیماری‌ها را از شیعیان ما برمی‌دارد و دل‌های آن‌ها را به سان پاره‌های آهن قرار داده و به هر کدام از آن‌ها نیروی چهل مرد را قرار می‌دهد و آنان فرمانروایان زمین و بزرگان آن خواهند بود.» (صدوق، ۱۴۰۳: ج ۲، ۵۴۱)

نزدیکی داشته؛
دوم، ارائه توضیحاتی که در ادامه می‌تواند به یاری حرکت اسلامی آمده و ابهام‌ها و مشکلات
آینده را از پیش بردارد؛
سوم، نکاتی که باید به دست آیندگان برسد تا راه را برای مدعیان دروغین مهدویت
تنگ کند؛
چهارم، آموزه‌های عام مهدوی و نگاه منجی‌گرایانه دینی که بخشی مهم از معارف شیعی را
تشکیل می‌دهد.

منابع

- ابن ابي الحديد، عبد الحميد بن هبة الله، شرح نهج البلاغة، تحقيق: محمد ابو الفضل ابراهيم، قم، مكتبة آية الله نجفى مرعشى، ١٤٠٤ق.
- ابن بابويه، على بن حسين، الامامة والتبصرة من الحيرة، تحقيق: مدرسه امام مهدي عليه السلام، قم، مدرسه امام مهدي عليه السلام، ١٤٠٤ق.
- ابن حنبل، ابو عبدالله احمد بن محمد، العليل ومعرفة الرجال، تحقيق: وصى الله بن محمد عباس، بيروت، المكتب الاسلامي - رياض، دارالخاني، ١٤٠٨ق.
- ابن سعد، ابو عبدالله محمد، الطبقات الكبرى، بيروت، دارصادر، بي تا.
- ابن طاوس، على بن موسى، مهج الدعوات ومنهج العبادات، تحقيق: ابوطالب كرماني و محمد حسن محرر، قم، دارالذخائر، ١٤١١ق.
- اربلى، على بن عيسى، كشف الغمة في معرفة الائمة، تحقيق: سيد هاشم رسولى محلاتى، تبريز، انتشارات بنى هاشمى، ١٣٨١ق.
- بخارى، محمد بن اسماعيل، التاريخ الكبير، تحقيق: سيد هاشم الندوى، بيروت، دارالفكر، بي تا.
- برقى، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، تحقيق: جلال الدين محدث، قم، دارالكتب الاسلاميه، ١٣٧١ق.
- حاكم نيشابورى، محمد بن عبدالله بن محمد، المستدرک على الصحيحين، تحقيق: يوسف عبدالرحمن المرعشلى، بيروت، دارالمعرفة، بي تا.
- حر عاملى، محمد بن حسن، إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، بيروت، مؤسسة الاعلمى للمطبوعات، ١٤١٩ق.
- حميرى، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، تحقيق: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم، مؤسسة آل البيت عليهم السلام، ١٤١٣ق.
- خزاز رازى، على بن محمد، كفاية الاثر فى النص على الائمة الاثنى عشر، تحقيق: عبداللطيف حسيني كوه كمرى، قم، انتشارات بيدار، ١٤٠١ق.
- خصيبى، حسين بن حمدان، الهداية الكبرى، بيروت، البلاغ، ١٤١٩ق.
- شريف رضى، محمد بن حسين، نهج البلاغة (نسخة صبحى صالح)، تحقيق: فيض الاسلام، قم، انتشارات هجرت، ١٤١٤ق.
- صدوق، محمد بن على بن حسين، الخصال، قم، انتشارات جامعه مدرسين، ١٤٠٣ق.

- _____ ، عيون أخبار الرضا عليه السلام، تهران، انتشارات جهان، ۱۳۷۸ق.
- _____ ، كمال الدين وتمام النعمة، تهران، انتشارات اسلاميه، ۱۳۹۵ق.
- _____ ، عبدالرزاق بن همام، المصنف، تحقيق: حبيب الرحمن الاعظمي، بي جا، بي نا، بي تا.
- _____ ، طبرسي، احمد بن علي، الاحتجاج على اهل اللجاج، تحقيق: محمدباقر خراسان، مشهد، نشر مرتضى، ۱۴۰۳ق.
- _____ ، طوسي، محمد بن حسن، الغيبة للحجة، تحقيق: عبادالله تهراني و علي احمد ناصح، قم، دارالمعارف الاسلامية، ۱۴۱۱ق.
- _____ ، عجلي، احمد بن عبدالله بن صالح، معرفة الثقات، تحقيق: عبدالعليم عبدالعظيم البستوي، مدينه، مكتبة الدار، ۱۴۰۵ق.
- _____ ، عسقلاني، احمد بن علي (ابن حجر)، لسان الميزان، بيروت، مؤسسة الاعلمي للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
- _____ ، كليني، محمد بن يعقوب، الكافي، تحقيق: علي اكبر غفاري و محمد آخوندي، تهران، دارالكتب الاسلامية، ۱۴۰۷ق.
- _____ ، مجلسي، محمدباقر، بحار الانوار، تحقيق: جمعي از محققان، بيروت، داراحياء التراث العربي، ۱۴۰۳ق.
- _____ ، مروزي، نعيم بن حماد، كتاب الفتن، تحقيق: سهيل زكار، بيروت، دارالفكر، ۱۴۱۴ق.
- _____ ، مؤسسة المعارف الاسلامية، معجم احاديث الامام المهدي عليه السلام، قم، مؤسسة المعارف الاسلامية، ۱۴۲۸ق.
- _____ ، نعماني، محمد بن ابراهيم، كتاب الغيبة، تحقيق: علي اكبر غفاري، تهران، نشر صدوق، ۱۳۹۷ق.

